



نان آوران فردا

تأملی بر تربیت کارآفرینانه

دکتر عظیم محبی | سید میثم موسوی

تصویرگر



خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت اجرا و نتایج آن را تحلیل کند؛

- با درک مفاهیم اخلاق اقتصادی (کار و تلاش، رعایت حق الناس، نیکوکاری، امانت‌داری، پرهیز از اسراف و تبذیر)، رفتار خود را در زندگی شخصی و ارتباط با دیگران بر مبنای آن سازمان دهد و عمل کند.

دوره اول متوسطه

- با شناسایی مفاهیم اصلی اقتصاد خانواده و درک شیوه‌های مالی شخصی (پس انداز، مدیریت و خطرپذیری) مصداق‌های آن را در زندگی به کار گیرد و در بهبود اقتصاد خانواده فعالانه مشارکت کند؛

- با شناخت حرفه‌ها، مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه در تولید و عرضه محصول، متناسب با علاقه‌ها، استعداد و جنسیت، برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود برنامه‌ریزی کند؛

- با شناخت رفتار اقتصادی سازنده (شکر، قناعت، تعاون،

یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت که به‌طور مستقیم با کارآفرینی مرتبط است، اهداف ساخت اقتصادی و حرفه‌ای در دوره ابتدایی و متوسطه اول است. این اهداف به این صورت در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شده‌اند:

دوره اول ابتدایی

- با درک مفاهیم پایه اقتصاد (فایده، هزینه و مصرف) روش‌های مصرف بهینه را در زندگی شخصی و خانوادگی به کار گیرد؛

- با کسب مهارت‌های ساده کارآفرینی، قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت به کار گیرد.

دوره دوم ابتدایی

- با شناسایی مفاهیم عمومی اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) و درک نقش مسئولیت‌پذیری و انطباق مالی در فعالیت‌های اقتصادی، روش‌هایی را برای حل مسائل ساده اقتصادی شناسایی کند و به کار گیرد؛

- با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی، قدرت تخیل و

منافع جمعی، رعایت حلال و حرام، و حمایت از تولید ملی) تأثیر آن را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تحلیل کند و روش‌هایی برای بهسازی رفتارهای اقتصادی پیشنهاد دهد.

سؤال کلیدی

– فرایند آموزش این اهداف در مدرسه چگونه باید باشد؟

این اهداف به صورت درهم‌تنیده در همه برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی مورد توجه قرار می‌گیرند و معلمان در تدریس هر یک از کتاب‌های درسی زمینه تربیت این شایستگی‌ها را در دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. در عین حال، نیازمند اقدامات زیر هستیم:

۱. آموزش مستقیم مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی در مدرسه: این آموزش‌ها می‌تواند در فعالیتهای فوق برنامه و برنامه ویژه مدرسه (بوم طراحی و اجرا شود).
 ۲. آموزش غیرمستقیم و اتخاذ رویکرد کارآفرینی محور در فعالیتهای تدریس و امور فرهنگی مدرسه که چگونگی آن توضیح داده می‌شود.
- در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تدریس را به سه رویکرد تقسیم کرد:

– تدریس و سنجش موضوع محور (انتقالی)

در این رویکرد تدریس شامل سه مرحله است:

۱. انتقال محتوا از معلم به دانش‌آموز؛ ۲. شنیدن و تمرین کردن دانش‌آموزان؛ ۳. سنجش اطلاعات دانش‌آموزان.

– تدریس و سنجش فرایند محور

در این رویکرد تدریس شامل مراحل زیر است:

۱. زمینه‌سازی برای تفکر و کاوشگری؛ ۲. هدایت برای تولید مفهوم؛ ۳. سنجش مهارت‌های تفکر.

– تدریس و سنجش کارآفرینی محور

در این رویکرد تدریس شامل مراحل زیر است:

۱. زمینه‌سازی برای انجام فعالیت در محیط‌های واقعی؛
 ۲. زمینه‌سازی برای گزارش پروژه‌های انجام شده؛
 ۳. سنجش از عملکرد دانش‌آموزان؛
- با توجه به نکات گفته‌شده، تدریس و سنجش کارآفرینی محور:

– پروژه محور است؛

– مشارکت محور است؛

– بر مسائل واقعی فضای کسب و کار مبتنی است؛

– زمینه‌ساز دست‌ورزی، ساخت و تولید است؛

– تمرین خطرپذیری و نوآوری را زمینه‌سازی می‌کند؛

– مبنای سنجش خودارزیابی و عملکردی است؛

– زمینه‌ساز رشد ابعاد شخصیتی و مدیریتی است.

فعالیت‌های فرهنگی مدرسه با رویکرد کارآفرینی

علاوه بر نقش معلمان در تربیت روحیه کارآفرینی، باید بر فعالیتهایی که در مدرسه به‌عنوان فوق برنامه، مکمل و اوقات فراغت مطرح می‌شوند نیز تأمل کنیم. یکی از رسالت‌های فعالیتهای مربوط به فوق برنامه در قالب مسابقات علمی، عملی، فرهنگی، هنری و ... زمینه‌سازی برای تقویت روحیه کارآفرینی است. مربیان تربیتی و مشاوران در کنار معلمان به‌صورت هماهنگ و منسجم می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرین باشند. تقویت روحیه کارآفرینی به‌عنوان یک رویکرد باید در فعالیتهای فرهنگی و هنری مدرسه مورد عنایت قرار گیرد (رویکرد تلفیقی). چند فعالیت در همین زمینه پیشنهاد می‌شود:

■ واگذاری اداره و مدیریت فعالیتهای مدرسه به دانش‌آموزان (به‌گونه‌ای که حداقل هر دانش‌آموز در سال یک فعالیت را در مدرسه مدیریت کند). این کار روحیه خطرپذیری را تقویت می‌کند؛

■ برپایی بازارچه‌های کسب و کار (برای تمرین مهارت خطرپذیری و مهارت‌های کسب و کار)؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در طراحی و اجرای اردوهای دانش‌آموزی؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در مسابقات علمی، عملی و فرهنگی مدرسه (هر دانش‌آموز بر اساس علاقه‌های خود حداقل در یک مسابقه شرکت کند)؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در تحقیق‌های مربوط به ساحت و تولید متنوع در مدرسه؛

■ هدف‌دار کردن بازدیدهای علمی از صنایع و کارخانه‌ها بر اساس شناخت از مشاغل و دریافت گزارش از آن‌ها با مفاهیم دنیای اقتصادی و کارآفرینی (محصول، قیمت، توزیع، فروش، مشتریان، سهام و بازاربها (بورس)؛

■ تکمیل بسته‌های یادگیری (کتاب و فیلم) در کتابخانه، با مفاهیم دنیای کار (با تأکید بر مفاهیم پس‌انداز، درآمد، سود و ...)

■ برگزاری مسابقات به‌منظور تولید کتاب داستان، پویانمایی و روزنامه‌دیواری با مفاهیم اقتصادی و ...

■ بازدید از بانک‌ها و افتتاح حساب برای آن‌ها؛

■ تمرین ایده‌پردازی و طراحی مدل کسب و کار؛

■ بازدید و تمرین ثبت شرکت و نحوه کار بیمه‌ها.

جهت‌گیری آموزش خانواده با رویکرد کارآفرینی

هر خانواده‌ای تمایل دارد فرزندش به‌گونه‌ای تربیت شود که شغل مناسب را، بر اساس استعداد خود، اختیار کند. در عین حال آن شغل را دوست داشته باشد و در فرایند انجام

آن شغل و حرفه موفق باشد و احساس رضایت کند. این هدف و انتظار بسیار مطلوب است، اما خانواده‌ها کمتر به فرایند و چگونگی تربیت فرزندان در این زمینه می‌اندیشند. خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندشان با توجه به رشته تحصیلی، شغل مناسب خود در اداره‌های دولتی (کارمند) شناسایی و استخدام می‌شوند. اما واقعیت آن است که مشاغل دولتی جوابگوی فارغ‌التحصیلان نیستند. لذا خانواده‌ها باید فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند متناسب با نیاز بازار، کسب و کاری مناسب برای خود ایجاد کنند.

مهم‌ترین خصیصه مربوط به کارآفرینی، بهره‌گیری مناسب از خلاقیت و ظرفیت‌های فکری است. یعنی خانواده‌ها از همان دوران کودکی با روش‌های گوناگون باید زمینه رشد خلاقیت فرزند خود را فراهم آورند و آن‌ها را در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و شرایط کسب و کار قرار دهند تا چالش فکری برای او به وجود آید. در هر صورت، داشتن ایده‌های نو برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، یکی از عوامل مؤثر بر بروز روحیه کارآفرینی است. البته خانواده‌ها باید اجازه دهند فرزندشان ایده‌های خود را به نوآوری هم تبدیل کنند. اگر فرزندشان ایده مناسبی در خصوص ساخت وسیله‌ای دارد، زمینه آن را فراهم آورند تا وسیله را بسازد. در عین حال، به او کمک کنند تا زمینه تجاری‌سازی آن نیز فراهم شود. این نوع نگرش خانواده به بچه‌ها امکان می‌دهد از همان دوران کودکی به سمت کارآفرینی سوق پیدا کنند.

در این فرایند، نوع رفتار خانواده که بر انگیزه فرزندان به این روحیه می‌افزاید، بسیار اثربخش خواهد بود. روحیه خلاقیت و نوآوری کمک می‌کند فرزندان همواره نسبت به تغییرات و نیازهای جدید بازار حساس باشند. تغییرات فناوری و صنعتی را به‌طور مرتب رصد کنند، متناسب با

فرایند تغییرات، یا خودشان عامل تغییر و تحول شوند یا با تغییرات همراه شوند و از آن به‌عنوان یک موقعیت راهبردی کسب و کار بهره بگیرند.

با توجه به نکات گفته‌شده، برخی شاخص‌های خانواده کارآفرین عبارت‌اند از:

۱. راه‌اندازی کسب و کار خانوادگی؛
۲. واگذاری مسئولیت امور بانکی به بچه‌ها؛
۳. مشارکت فرزند در کارهای منزل؛
۴. خرید اسباب‌بازی با زمینه کار؛
۵. خرید کتاب‌های داستانی با موضوع کار؛
۶. خرید بازی‌های رایانه‌ای با زمینه کار؛
۷. زمینه‌سازی برای آموزش انواع مهارت‌های زندگی و کارآفرینی به جای کلاس‌های آزمون (تست)؛
۸. بازدیدها و سفرهای هدفمند به‌منظور آشنایی با مشاغل.

پی‌نوشت‌ها

۱. اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۸.
۲. برنامه ویژه مدرسه از سال ۹۷ در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول در حال اجراست.
۳. محبی، عظیم. تربیت مهارت‌های تفکر و کارآفرینی. انتشارات مرات. ۱۳۹۸.

